



دو بحران پیش روی زلنسکی

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین همچنان به اعمال تغییرات گسترده در ساختار دولت ادامه می‌دهد تا بتواند توانمندی و سرعت عمل خود را در پیشبرد کارها افزایش دهد. او به زودی با دو بحران مهم روبه‌رو خواهد شد که احتمالاً تمام انرژی دولت اوکراین را خواهد گرفت. از یک سو در فصل بهار احتمالاً حملات و فشارهای نیروهای نظامی روسیه برای تصرف مناطق بیشتر در اوکراین شدت خواهد گرفت و از سوی دیگر پایان دوره رسمی ریاست‌جمهوری زلنسکی در ۲۰ مه ۲۰۲۴ چالش‌هایی را از نظر مشروعیت دولت برای زلنسکی ایجاد خواهد کرد.

نقطه ضعف این تغییرات این است که زلنسکی با حذف برخی از هم‌راهان قدیمی خود، اطرافش را با کارکنان و نزدیکان آدری برماک، رئیس ستاد کارکنان ریاست‌جمهوری اوکراین احاطه کرده و این مسئله باعث شده است که او از شنیدن نظرات متفاوت محروم شود. این امر همواره یک آسیب بزرگ برای مدیریت عمومی خوب بوده است و از طرفی سؤالاتی را پیرامون قدرت نامحدودی که در اختیار برماک قرار می‌گیرد و جاه‌طلبی‌های او ایجاد خواهد کرد.

زمانی که زلنسکی در ماه‌های گذشته برای توضیح دلایل کنار گذاشتن والری زالوژی، فرمانده کل ارتش اوکراین که فردی بسیار محبوب در ساختار نیروهای مسلح و در میان مردم به شمار می‌رفت این مسئله را بخشی از یک اصلاح بزرگ در سیستم توصیف کرد، از نظر بسیاری در اوکراین این توجیه به عنوان پوششی برای یک تصمیم سیاسی در نظر گرفته شد. اخراج ژنرال زالوژی، آغاز تغییراتی بزرگ بود.

پس از زالوژی، اولکسی دانیلوف، دبیر شورای امنیت ملی و دفاع اوکراین که به دلیل دیدگاه‌های تند علیه روسیه شناخته می‌شود کنار گذاشته شد. به‌طور غیررسمی گفته می‌شود که زلنسکی به شدت از پاسخی که دانیلوف به نماینده ویژه چین در امور اوراسیا داده بود ناراضی بوده و همین باعث اخراج او شده است. کی‌یف امیدوار است که بتواند پیکر واقع‌کننده چین هم بخشی از نشست آتی صلح در سوئیس باشد.

علاوه بر دانیلوف تعدادی از دوستان قدیمی زلنسکی هم مجبور به خداحافظی از دولت شدند. تعدادی از هم‌راهان او در شبکه تلویزیونی که زلنسکی پیش از ریاست‌جمهوری تأسیس کرده بود از جمله ایوان باکونوف و سریرچی شفیقر که رئیس سرویس اطلاعاتی اوکراین و دستیار اول رئیس‌جمهور بودند از جمله این افراد به حساب می‌آمدند. این در حالی است که زلنسکی عادت داشت دستیاران و نزدیکانش در دولت را از افراد بسیار مورد اعتماد انتخاب کند.

بیشتر فایده‌ر از این تغییرات آندری برماک برد، او تمام جاهای خالی را با کاندیداهایی که خود معرفی کرده بود پر کرد و حالا دیگر هیچ‌کسی از مقام‌های ارشد در دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین نیست که پیش از منصوب شدن برماک به‌عنوان رئیس ستاد کارکنان، به دفتر ریاست‌جمهوری آمده باشد. برماک در حمایت از منصوبان خود نیز بسیار پافشاری می‌کند. در ماه‌های اخیر، خبرنگاران تحقیقی گزارش‌هایی از فساد اولیه تاتاروف، از مقام‌های اطلاعاتی دفتر رئیس‌جمهور منتشر کردند اما پافشاری برماک او هنوز در مقام خود باقی مانده است.

پست رئیس دفتر رئیس‌جمهور و رئیس ستاد کارکنان از نظر قانونی قدرت ویژه‌ای در اوکراین ندارد اما برماک توانسته با انتصاب کاندیداهای مد نظر خود در پست‌های حساس، جای پای خود را تقویت کند. رشد برماک، علاوه بر اعتماد زلنسکی به دلیل توانایی ویژه ارتباطی او و ارتباط گسترده‌اش با رسانه‌ها بود. تا به حال حملات زیادی به برماک صورت گرفته، او یک بار از سوی یک خبرنگار متهم شده که جلوی حمله‌ای با هدف دستگیری تعدادی از اعضای ارشد واکنر در روسیه را گرفته و یک بار نیز ویکتوریا اسپاتز، عضو مجلس نمایندگان آمریکا او را عامل روسیه معرفی کرده است.

در وضعیتی که دوره رسمی ریاست‌جمهوری زلنسکی ۲۰ مه ۲۰۲۴ پایان می‌یابد و توسط برماک و نزدیکان‌اش احاطه شده و در غرب نگرانی‌هایی از حرکت به سوی اقتدارگرایی دیده می‌شود. در چنین شرایطی زلنسکی از شنیدن هر نظر متفاوتی هم محروم است و این وضعیت را سخت‌تر از همیشه می‌کند.

تروریسم و واکنش‌های متفاوت به آن

از مسکو تا پاریس، بودجه مبارزه با تروریسم محدود است اما تهدیدها در حال افزایش است

هشدار خود را افزایش داد. مرگبارترین حمله تروریستی در تاریخ فرانسه در سال ۲۰۱۵ رخ داد. در آن زمان افراد مسلح و بمب‌گذاران انتحاری پاریس را در هم کوبیدند و حمله آنها با محاصره تئاتر باتاکلان به اوج خود رسید. کمتر از یک سال بعد، یک مرد تونس‌سازکن فرانسه، عمداً با یک کامیون وارد جمعیتی شد که روز باستیل را در نپس جشن می‌گرفتند. تعریف حقوقی فرانسه از تروریسم خشونت عمدی و مجموعه‌ای از جرایم دیگر از جمله آدم‌ربایی و هواپیماربایی، اما همچنین دزدی، اخاذی، جرایم سایبری و موارد دیگر است که با هدف «برهم زدن جدی نظم عمومی از طریق ارباب یا وحشت» صورت می‌گیرد. این یک تعریف مبهم است، اما در مکانی مانند فرانسه، که دارای جامعه قابل توجهی از مهاجران از کشورهای است که حضور پررنگ در گروه‌های جهادی تروریستی دارند، این خط تعریف مبهم‌تر از حد معمول است. مهاجران به سوی رفاه و فضای باز نسبی فرانسه کشیده می‌شوند. برای کسانی که از جنگ، آزار و اذیت و فقر از آفریقا می‌گریزند، نزدیک بودن فرانسه امتیاز دیگری است. بسیاری نیز فرانسوی‌زبان هستند که این نیز خودمیراث استعمار فرانسه است. تلاش‌های پاریس برای جلوگیری از جریسان مهاجرت غیرقانونی، از جمله در سطح اروپا، نتیجه چندانی نداشته است. فرانسه در سال ۲۰۱۳ به شدت در عملیات ضدتروریستی در ساحل شرکت کرد و به توقف پیشروی گروه‌های تروریستی در منطقه کمک کرد و از سال ۲۰۱۴ به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در ائتلاف بین‌المللی علیه گروه دولت اسلامی داعش در عراق و سوریه حضور داشته است. پاریس همچنین در ردیابی و اختلال در تامین مالی تروریسم، تخصص دارد. با این حال، پس از موجی از کودتاهای نظامی در سراسر ساحل، ارتش فرانسه مجبور به عقب‌نشینی از چندین کشور و توقف عملیات‌های خود شده است. پاریس بیم آن دارد که ساحل بتواند دوباره به مکانی مساعد برای استخدام تروریست‌هایی تبدیل شود که روی آوردن جنگ را به خاک فرانسه در سر می‌پروارند. نشانه‌ای دیگر از نگرانی‌های فرانسه این است که دولت این کشور تعداد تماشاگران در مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک پاریس را کاهش داده است. اما با کاهش شدید ردیابی نظامی در منطقه و افزایش بودجه آن، فرانسه امکانات کمی در اختیار خواهد داشت و این امر باعث ایجاد اختلال در فعالیت تروریست‌هایی که در خارج از کشور سازماندهی می‌شوند، خواهد شد.

برزیل و ایالات متحده آمریکا

جایگاه یک کشور در نظم بین‌المللی نحوه واکنش آن کشور به فعالیت‌های تروریستی را نیز تعیین می‌کند. برزیل را در نظر آورید؛ یک کشور نسبتاً منزوی در حاشیه جهان و تقریباً حاشیه‌ای در امور

جدیدی که به‌طور بالقوه خطرناک‌تر هستند، مواجهه است. بزرگ‌ترین تهدید ظاهراً از آسیای مرکزی سرچشمه می‌گیرد؛ جایی که فقر و آسیب‌های اجتماعی بی‌شمار انگیزه جذب شدن افراد را به گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند. نزدیکی آسیای مرکزی به افغانستان نیز ابزاری را برای افراد رادیکال برای آموزش و طراحی حملات بزرگ فراهم می‌کند. یک مورد بارز آن، حمله ماه گذشته به تالار شهر کروکوس است که در آن چهار مظنون از تاجیکستان حداقل ۱۴۵ نفر را به قتل رساندند.

در عین حال، توانایی مسکو برای جلوگیری از ورود تروریست‌ها به کشور به شدت کاهش یافته است. کرملین مدت‌هاست که مهاجرت غیرقانونی را یک مشکل و منبع افراط‌گرایی می‌داند و این مسئله موضوع مکرر گفت‌وگو بین روسیه و کشورهای آسیای مرکزی است. خصوصاً اینکه عاملان حمله به تالار شهر کروکوس به‌طور قانونی وارد روسیه شده بودند. پس از حمله ماه گذشته، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه تغییرات پرسنلی گسترده‌ای را در وزارت کشور روسیه انجام داد. سرویس‌های امنیتی حملات خود را برای جست‌وجوی افرادی که به‌طور غیرقانونی در روسیه زندگی می‌کنند افزایش داده‌اند و مقامات اداره مهاجرت نیز کنترل‌ها را بر صدور اسناد اجازه اقامت طولانی‌تر تشدید کرده‌اند.

با این حال، در شرایطی که اقتصاد روسیه تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی و هزینه‌های مالی و انسانی ناشی از یک جنگ گسترده است، مسکو مانند همیشه به نیروی کار مهاجر نیاز دارد. منبع اصلی مهاجرانی که به روسیه می‌روند نیز آسیای مرکزی است. کارگران این منطقه ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی روسیه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، روسیه تصمیم گرفته به جای دشمنی با دولت‌های این منطقه، تعامل با آنها را افزایش دهد. روسیه حتی آزمایش‌های ضدتروریسم را با تاجیکستان برگزار کرده است. یکی دیگر از نشانه‌های بالقوه دیگری که نشان می‌دهد روسیه تاجه اندازه با کمبود نیرو مواجه شده، این است که حضور نیروهای امنیتی در ورودی‌های مترو و مراکز خرید مسکو قبل از حمله به تالار شهر کروکوس بسیار کم‌رنگ بود. احتمالاً دلیلش این است که روسیه از کمبود نیروهای امنیتی و همچنین پرسنل امنیتی بخش خصوصی رنج می‌برد. اگر چه کرملین، اوکراین را به کمک در سازماندهی این حمله متهم کرد، اما در عین حال سیخ توده‌ای اعلام نکرد چراکه نگران است موجی از ناراضی‌های مردمی که از جنگ خسته شده‌اند، به وجود آید.

فرانسه

فرانسه نیز با تروریسم بیگانه نیست. در واقع، پس از حمله به تالار شهر کروکوس، پاریس جزو اولین دولت‌هایی بود که سطح

نگاه نظریه‌پرداز

جورج فریدمن

استراتژیست



قتل عام ۲۲ مارس در تالار شهر کروکوس در نزدیکی مسکو با دیگر تأثیرات وحشتناک و بزرگ حملات تروریستی را در اذهان زنده کرد. حملات تروریستی از نوع مؤثر آنها، احساسات شدید، به‌ویژه ترس، بدگمانی یا پارانویا را برمی‌انگیزد و همین ترس می‌تواند باعث تغییرات شگرف در سیاست‌های خارجی و داخلی یک کشور شود. رهبران کشورها معمولاً برای بازگردان احساس امنیت به جامعه عجله می‌کنند و اغلب دستور پاسخ امنیتی به این حملات را صادر می‌کنند اما این پاسخ اغلب پاسخ‌هایی است که با تهدید واقعی همخوانی ندارد. این نوع از پاسخ‌ها با مستلزم جنگ‌های بدون فکر خارجی یا ایجاد فضای شدید امنیتی در داخل خواهد بود. در مواقع دیگر، رهبران کشورها ممکن است سعی کنند تهدید را کم‌اهمیت جلوه دهند یا توجه عمومی را به موضوعی دیگر منحرف کنند. هر کشوری به شیوه خود واکنش نشان می‌دهد و حتی اگر کشوری هیچ واکنشی نشان ندهد نیز می‌توان گفت این واکنش نشان ندادن، خودش نوعی واکنش است.

روسیه

حتی تعریف تروریسم در بین کشورها متفاوت است و تاریخ، جغرافیا، ساختار اجتماعی و نهادی این کشورها بر روی تعریفی که آنها از تروریسم دارند، تأثیر می‌گذارد. از نظر روسیه، تروریسم یعنی «ایدئولوژی خشونت و اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری رسمی از طریق ارباب مردم و یا انجام سایر اشکال اقدامات خشونت‌آمیز غیرقانونی». این تعریف به اندازه کافی و گسترده است که اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های جدایی طلب در قفقاز شمالی روسیه را که عاملان اصلی تروریسم در این کشور بوده‌اند، در خود جای دهد. برای مثال، تروریست‌های چینی پس از شکست در جنگ‌های چین و سرکوب‌های بعدی توسط کرملین، عملیات‌هایی نظیر محاصره تئاتر مسکو در سال ۲۰۰۲، محاصره مدرسه بسلان در سال ۲۰۰۴ و بمب‌گذاری انتحاری در متروی مسکو در سال ۲۰۰۴ را سازماندهی کردند. تروریست‌های قفقاز شمالی همچنین بمب‌گذاری متروی مسکو در سال ۲۰۱۰ و بمب‌گذاری سال ۲۰۱۱ در فرودگاه دوموده‌دوو مسکو را انجام دادند.

مسکو در میانه جنگ اوکراین، ظهور مجدد طالبان در افغانستان و فضای عمومی خصومت بین روسیه و غرب و با تهدیدات تروریستی

مسکو در میانه جنگ اوکراین، ظهور مجدد طالبان در افغانستان و فضای عمومی خصومت بین روسیه و غرب و با تهدیدات تروریستی بالقوه خطرناک‌تر هستند. مواجهه است. بزرگ‌ترین تهدید ظاهراً از آسیای مرکزی سرچشمه می‌گیرد؛ جایی که فقر و آسیب‌های اجتماعی بی‌شمار انگیزه جذب گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند.

